

Analysis of the Reasons Why the Leader of the Faithful (PBUH) Did Not Exercise Retaliatory Punishment for Murderers of Uthman

Yadollah Hajizadeh*

Abstract

Uthman ibn Affan, the third Muslim Caliph (644-656 AD) was killed in a riot against him by some Muslims. Imam Ali (PBUH), in spite of his disapproval of such an act neither tried nor punished his murderers. The question therefore is for what reason(s) the Leader of the Faithful did not exercise retaliatory punishment (*qiṣāṣ*) for murderers of Uthman. Despite complications peculiar to the subject arising from different answers proposed to answer the question, the analysis of the subject, using descriptive and analytic methods, shows that although the Leader of the Faithful (PBUH) sought to deal with the issue and to punish Uthman's murderers, lack of clarity as to who were directly involved in the murder, and specific circumstances that Imam Ali (PBUH) faced during his reign did not in practice allow him to take any action in that regard.

Keywords: the Leader of the Faithful (PBUH), Uthman, murder, murderers, retaliatory punishment.

* Associate Professor, Research Center for Islamic Sciences and Culture, hajizadeh30@yahoo.com

Date received: 2021/07/11, Date of acceptance: 2021/10/02



Copyright © 2018, This is an Open Access article. This work is licensed under the Creative Commons Attribution 4.0 International License. To view a copy of this license, visit <http://creativecommons.org/licenses/by/4.0/> or send a letter to Creative Commons, PO Box 1866, Mountain View, CA 94042, USA.

واکاوی علل عدم قصاص قاتلان عثمان توسط امیرالمومنین (ع)

یدالله حاجی زاده*

چکیده

عثمان بن عفان خلیفه سوم مسلمانان (۲۳-۳۵ هـ) در شورش‌هایی که علیه وی در مدینه رخ داد، توسط عده‌ای از مسلمانان به قتل رسید. امام علی (ع) علی‌رغم مخالفت با چنین اقدامی، قاتلان او را مورد محاکمه قرار نداد و آنان را مجازات نکرد. بنابراین سوالی که در این جا هست این است که علت یا علل عدم قصاص قاتلان عثمان توسط امیرالمومنین (ع) چه بوده است؟ علی‌رغم پیچیده‌گی‌های خاص موضوع به جهت جواب‌های گوناگونی که در این خصوص مطرح شده، واکاوی این موضوع - با بهره‌گیری از روش توصیفی و تحلیلی - نشان می‌دهد، هر چند امیرالمومنین (ع) به دنبال رسیدگی به ماجرای قتل عثمان و مجازات قاتلان وی بوده، اما مشخص نبودن قاتلان مباحثی عثمان و شرایط خاصی که حضرت در دوره زمامداری خویش با آنها مواجه شده، عملاً به آن حضرت اجازه نداده است در این زمینه کاری صورت دهد.

کلیدواژه‌ها: امیرالمومنین (ع)، عثمان، قتل، قاتلان، قصاص.

۱. مقدمه

عثمان خلیفه سوم (۲۳-۳۵ هـ) به جهت سیاست‌های نادرستی که به خصوص در دوره دوم حکومت خویش در پیش گرفته بود، در خانه خویش توسط شورش‌یانی که از شهرهای مختلف به مرکز خلافت اسلامی آمده بودند، محاصره و پس از کشتن و قوس‌های فراوان به

* استادیار پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی، y.hajizadeh@isca.ac.ir

تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۰۴/۲۰، تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۰۷/۱۰



قتل رسید. این قتل در حالی صورت گرفت که امام علی(ع) به آن راضی نبود و حتی اقداماتی هم برای جلوگیری از آن انجام داد. آن حضرت در مواردی قاتلان او را لعن کرده (ابن ابی شیبه، ۱۴۰۹: ۷۱۲/۸؛ دینوری، ۱۴۱۰: ۹۶/۱) و علیه آنان نفرین می‌کرد (دینوری، ۱۴۱۰: ۹۴/۱). امری که به خوبی نشان می‌دهد آن حضرت از این اقدام خودسرانه و فتنه‌خیز شورشیان ناراضی بوده است.

سوال مهمی که در این جا مطرح است این است که چرا امام علی(ع) که به عدالت خواهی و عدالت ورزی مشهور است، کسانی که در قتل عثمان دست داشتند را محاکمه نکرد؟ این در حالی است که آن حضرت به عنوان حاکم جامعه اسلامی در این باره مسئولیت داشت.

نکته ای که باید توجه شود این است که امام علی(ع) هر چند طلحه، زبیر، عایشه و حتی معاویه را در قتل خلیفه سوم سهیم می‌دانست (طبری، ۱۳۸۷: ۴/۴۵۹؛ ابن اعثم کوفی، ۱۴۱۱: ۲/۴۳۷؛ نهج البلاغه، خطبه ۲۲/۶۳، نامه ۱/۳۶۳، خطبه ۱۷۴/۲۴۹) اما هیچ‌گاه از قصاص ایشان - که در کشتن عثمان به صورت مباشری (مستقیم و بدون واسطه) شرکت نداشتند - سخنی به میان نیاورده است. بنابراین آن چه درباره قصاص و عدم قصاص قاتلان عثمان مطرح است، درباره کسانی است که به صورت مباشری در قتل وی سهیم بوده‌اند. با این مقدمات، سوالی که - به صورت دقیق‌تر - در این جا مطرح است این است که چرا امام علی(ع) قاتلان مباشری عثمان را محاکمه و قصاص نکرد؟

باید اذعان کرد که پاسخ به این سوال چالش برانگیز کمی دشوار است چرا که از امام علی(ع) در منابع مختلف در بیان علت عدم قصاص، سخنان متعددی نقل شده است. در یک مورد آن حضرت شرایط را برای قصاص نامساعد دانسته (طبری، ۱۳۸۷: ۴/۴۳۷؛ نهج البلاغه، خطبه ۱۶۸/۲۴۳)، در جای دیگری اعلام می‌کند که قاتلان قابل شناسایی نیستند (بلاذری، ۱۴۱۷: ۲/۲۸۱). در یک مورد هم به معاویه که با استناد به آیه «وَمَنْ قُتِلَ مَظْلُوماً فَقَدْ جَعَلْنَا لَوْلِيهِ سُلْطٰنًا» (اسرا، ۳۳) بهانه خون‌خواهی عثمان را داشت (ابن ابی‌الحدید، ۱۳۷۸: ۳/۹۳) اعلام کرده که تو اول باید تسلیم شوی سپس فرزندان عثمان علیه قاتلانش طرح شکایت کنند، آنگاه به قضیه رسیدگی کرده و قاتلان را مجازات کند (همان، ۳/۸۹). در مورد دیگری حضرت از عدم توانایی خویش در مجازات قاتلان سخن گفته است (نهج البلاغه، خطبه ۱۶۸/۲۴۳). یک جا هم بیان کرده که اصولاً چنین قتلی به جهت

اینکه قاتلان درباره او دست به تأویل زده‌اند، قصاص ندارد (منقری، ۱۴۰۴: ۱۸۹؛ ابن‌ابی‌الحدید، ۱۳۷۸: ۱۶/۴). بنابراین محقق تاریخی با این پرسش پیچیده مواجه است که کدام یک از این پاسخ‌ها موجه‌تر است؟ و آیا می‌توان بین این پاسخ‌ها جمع کرد؟

در خصوص پیشینه نیز باید توجه داشت که پیش از این، علت عدم قصاص قاتلان عثمان توسط امام علی (ع) مورد واکاوی دقیق و علمی قرار نگرفته است. ماجرای قتل عثمان و بیان علت آن در برخی از کتاب‌های پژوهشی که ادوار اخیر منتشر شده‌اند، آمده است. این نویسندگان هرچند ماجرای کشته شدن عثمان و حوادث پیرامونی آن را به تصویر کشیده‌اند، اما به موضوع قصاص قاتلان عثمان توسط امام علی (ع) چندان توجهی نکرده‌اند و یا به صورت گذرا از آن رد شده‌اند (رک: یوسفی غروی، ۱۴۱۷: ۴/۴۱۶؛ منتظر القائم، ۱۳۸۶: ۳۰۲-۳۰۴؛ مکارم شیرازی، ۱۳۸۷: ۶/۴۴۴-۴۵۰). در مقاله «تبیین نقش امیر مؤمنان (ع) در ماجرای قتل عثمان با رویکرد تطبیقی بر اساس منابع متقدم» نوشته محمدجواد واعظی، صرفاً به حوادث مربوط به زمان شورش علیه عثمان پرداخته شده و به موضوع قصاص از قاتلان عثمان اشاره‌ای ندارد (واعظی، ۱۳۹۷: ۷-۲۸). در مقاله «چرایی برجستگی قتل عثمان و انتساب آن به امیرمؤمنان (ع) با تأکید بر نهج البلاغه»، نوشته محمد علی پرهیزکار و رحمان عشریه، عمدتاً چرایی انتساب این قتل به امام علی (ع) به تصویر کشیده است و درباره علل عدم قصاص قاتلان عثمان مطلبی ندارد (پرهیزکار و عشریه، ۱۳۸۶: ۱۴۵-۱۷۱). مطالب پراکنده‌ای هم که در این خصوص در برخی از سایت‌های اینترنتی وجود دارد، چندان قانع‌کننده نیستند.

۲. ماجرای قتل عثمان

با پایان یافتن خلافت عمر (۱۳-۲۳ هـ) عثمان بن عفان از تیره اموی جانشین وی شد. عثمان به علت وابستگی شدید به هم‌قبیله‌ای‌های خویش از حزب بنی‌امیه، همه امور را در اختیار ایشان قرار داد و با بهانه صله رحم (ابن سعد، ۱۴۱۰: ۴۷/۳) بذل و بخشش‌های فراوانی به آنان کرد و دستشان را در بسیاری از امور باز گذاشت (احمد بن حنبل، بی‌تا: ۱/۶۲؛ بلاذری، ۱۴۱۷: ۵/۵۸۰؛ ابن‌اثیر، ۱۴۰۹: ۳/۴۸۷). وی که در دوره زمامداری خویش (۲۳-۳۵ هـ) به خصوص در نیمه دوم آن، مرتکب چنین بی‌عدالتی‌ها و سوء تدبیرهایی شده بود، زمینه شورش علیه خویش را فراهم ساخت. این امر سبب شد عده‌ای از شهرهای

مختلف جامعه اسلامی به مدینه آمده و علیه وی دست به شورش زدند. امام علی (ع) هر چند از عملکرد عثمان ناراضی بود و بارها در این باره به وی تذکر داده بود (بلاذری، ۱۴۱۷: ۱۷۵/۶؛ طبری، ۱۳۸۷: ۳۳۷/۴؛ یعقوبی، بی تا: ۱۶۳/۲؛ نهج البلاغه، خطبه ۲۳۴/۱۶۴ و خطبه ۴۹/۳؛ طوسی، ۱۳۸۳: ۲۷۰/۴)، اما راضی به قتل خلیفه هم نبود چرا که آن حضرت می دانست کشته شدن عثمان به عنوان خلیفه مسلمانان درهای فتنه را به روی جامعه اسلامی باز خواهد کرد و پیامدهایی ناگوار خواهد داشت (ابن ابی شیبه، ۱۴۰۹: ۶۸۴/۸؛ ابن شبه نمیری، ۱۴۱۰: ۱۲۶۴/۴؛ نهج البلاغه، خطبه، ۲۳۴/۱۶۴؛ مفید، ۱۴۲۹: ۱۷۰).^۱ به همین جهت تلاش‌های آن حضرت به عنوان میانجی (ابن سعد، ۱۴۱۰: ۸۲/۳؛ بلاذری، ۱۴۱۷: ۱۱۱/۵)، در جهت آرام نمودن شورشیان و به راه آوردن عثمان سامان یافت. آن حضرت با شورشیان صحبت کرده و رفتار آنان را - که حتی در مراحل از شورش - مانع دسترسی خلیفه به آب و غذا شده بودند، ناپسند دانست و محاصره و کشتنش را نادرست شمرد (طبری، ۱۳۸۷: ۳۸۶/۴) و حتی در مراحل نهایی محاصره خانه عثمان، امام حسن و امام حسین (علیهما السلام) را برای دفاع از وی فرستاد (بلاذری، ۱۴۱۷: ۱۸۵/۶؛ مسعودی، ۱۴۰۹: ۳۴۵/۲) که بنا به نقلی امام حسن (ع) در دفاع از خلیفه زخمی شد (مسعودی، ۱۴۰۹: ۳۴۵/۲). علی رغم حمایت‌های امام علی (ع) از عثمان - که حتی مورد اعتراف کسانی چون مروان بن حکم (م. ۶۵ ق.) نیز بود - (جاحظ، بی تا: ۲۸۳؛ ابن ابی الحدید، ۱۳۷۸: ۲۲۰/۱۳؛ ابن عساکر، ۱۴۱۵: ۴۳۸/۴۲) و نهی شورشیان از قتل وی، سرانجام عده‌ای از شورشیان در هیجدهم ذی الحجه سال ۳۵ هجری به خانه خلیفه ریختند و وی را به قتل رساندند (ابن شبه نمیری، ۱۴۱۰: ۱۲۳۰/۴؛ طبری، ۱۳۸۷: ۴۱۱/۳). امام علی (ع) در تعبیری ضمن اشاره به خطاهای عثمان و خودرأیی او، از بی تابی و تندروی مردم گلایه کرده (نهج البلاغه، خطبه ۷۳/۳۰) و از قتل عثمان اظهار بیزاری کرد (بلاذری، ۱۴۱۷: ۵۸۷/۵؛ ابن سعد، ۱۴۱۰: ۵۰/۳).

کشته شدن عثمان سبب شد عده‌ای که خودشان در کشتن وی سهیم و یا مقصر بودند (مفید، ۱۴۲۹: ۲۵۹؛ ابن اثیر، ۱۴۰۹: ۶۰/۳؛ ابن ابی الحدید، ۱۳۷۸: ۳۶/۹)، مدعیان اصلی خون وی شوند و امام علی (ع) را تحت فشار قرار دهند که قاتلان خلیفه را قصاص کند. مدتی بعد هم امیرالمومنین (ع) را متهم کردند که خودش در قتل عثمان دست داشته است (نهج البلاغه، نامه ۴۴۶/۵۵). ادعایی که امام به شدت و در موارد متعددی آن را رد می‌کرد (ابن شبه نمیری، ۱۴۱۰: ۱۲۶۹/۴؛ دینوری، ۱۴۱۰: ۱۱۴/۱؛ طبری، ۱۳۸۷: ۴۴۴/۴؛

واکاوی علل عدم قصاص قاتلان عثمان توسط امیرالمومنین (ع) (یدالله حاجی زاده) ۹۹

نهج البلاغه، نامه ۳۶۷/۶، نامه ۴۴۶/۵۵، نامه ۴۴۸/۵۸؛ ابن ابی الحدید، ۱۳۷۸: ۲۰۰/۱؛ ابن کثیر، ۱۴۰۷: ۱۹۳/۷) و حتی حاضر بود برای اینکه بنی امیه باور کنند، میان رکن و مقام سوگند یاد کند که در قتل وی دخالتی نداشته است (بلاذری، ۱۴۱۷: ۵۷۲/۵)!

۳. علل عدم قصاص

ضمن تأکید بر این نکته که یافتن پاسخی دقیق و درخور برای علل عدم قصاص قاتلان عثمان و داوری نهایی و قاطع در این خصوص دشوار می‌نماید، در ادامه این نوشتار تلاش بر این است این موضوع مورد واکاوی قرار گیرد و علت یا علل آن مشخص شود.

۱.۳ مشخص نبودن قاتل یا قاتلان

به نظر می‌رسد یکی از عواملی که سبب شده، در دوره حکمرانی امام علی (ع) قاتلان عثمان مورد پیگیری قضایی قرار نگیرند، این بوده که اساساً به صورت دقیق و مشخص، معلوم نبود که در آن هرج و مرج شورش علیه عثمان که به قتل وی منجر شد، چه کسی یا چه کسانی در قتل خلیفه به صورت مباحثی^۲ دخالت داشتند. نقلی از ابوسعید خدری هست که وی ۸۰۰ نفر را در قتل خلیفه حاضر دانسته است (ابن شبه نمیری، ۱۴۱۰: ۴/۱۱۷۵). از هاشم بن عتبۀ بن ابی وقاص هم نقل شده است «جز این نیست که اصحاب محمد و فرزندان اصحابش و قاریان او را کشتند، هنگامی که بدعت‌ها بر ساخت و با حکم قرآن به مخالفت پرداخت» (منقری، ۱۴۰۴: ۳۵۴؛ طبری، ۱۳۸۷: ۴/۳۰). عبیدالله بن عمر در جنگ صفین، اهالی عراق را یاوران علی (ع) و قاتلان عثمان معرفی می‌کرد و خواستار انتقام از آنان بود. وی خطاب به شامیان می‌گفت: ای مردم شام این قبیله عراق قاتلان عثمان و یاوران علی هستند و اگر این قبیله را در هم شکنید، انتقام خون عثمان را می‌گیرید و علی و عراقیان نابود خواهند شد (ابن ابی الحدید، ۱۳۷۸: ۵/۲۲۷). تمامی این تعبیر نشان می‌دهند قاتلان مباحثی عثمان به صورت دقیق مشخص نبوده‌اند. علاوه بر این باید توجه داشت که خون‌خواهان عثمان اعم از عایشه، طلحه، زبیر و معاویه هیچ‌گاه به طور مشخص کسی را به عنوان قاتل عثمان معرفی نکرده‌اند.

نقلی از بلاذری هست که امام علی (ع) نیز در یکی از سخنان خویش و در پاسخ به معاویه، بیان کرده که قاتل مشخصی برای وی سراغ ندارد (بلاذری، ۱۴۱۷: ۲۸۱/۲؛ یوسفی غروی، ۱۴۱۷: ۵۲/۵). البته در برخی از منابع تاریخی، قاتلان مباحثی عثمان به طور مشخص نام برده شده‌اند. افرادی چون سودان (سیدان) بن حمران (ابن سعد، ۱۴۱۰: ۶۳/۳؛ یعقوبی، بی تا: ۱۷۶/۲؛ بلاذری، ۱۴۱۷: ۵۶۲/۵؛ طبری، ۱۳۸۷: ۳۹۱/۴)، قتیبه بن وهب (طبری، ۱۳۸۷: ۳۹۱/۴؛ ابن اثیر، ۱۴۰۹: ۱۷۸/۳)، کنانه بن بشر تجیبی (ابن سعد، ۱۴۱۰: ۶۳/۳؛ یعقوبی، بی تا: ۱۷۶/۲؛ بلاذری، ۱۴۱۷: ۵۹۱/۵؛ طبری، ۱۳۸۷: ۳۹۳/۴) عمرو بن حمق (یعقوبی، بی تا: ۱۷۶/۲؛ بلاذری، ۱۴۱۷: ۵۷۴/۵)، محمد بن ابی بکر (ابن سعد، ۱۴۱۰: ۶۳/۳؛ یعقوبی، بی تا: ۱۷۶/۲؛ ابن شبه نمیری، ۱۴۱۰: ۱۲۹۹/۴)، محمد بن حنفیه، عمار (منقری، ۱۴۰۴: ۶۵)، محمد بن ابی حذیفه (یعقوبی، بی تا: ۱۷۶/۲)، سنان بن عیاض (مقدسی، بی تا: ۲۱۹/۲) عبدالرحمن بن عدیس بلوی (یعقوبی، بی تا: ۱۷۶/۲)، از کسانی هستند که گفته می‌شود در قتل مباحثی عثمان شرکت داشتند. خود این ناهمگونی و اختلاف، باز نشان از این است که به صورت دقیق معلوم نبوده که چه کسانی در قتل خلیفه دست داشته‌اند.

همین امر سبب شده تلاش‌های امام علی (ع) نیز برای یافتن قاتل یا قاتلان خلیفه به نتیجه‌ای منجر نشود. گفته می‌شود آن حضرت در ابتدای حکومت خویش، در پی یافتن کسانی بود که به طور مشخص در قتل عثمان مشارکت کرده و وی را به قتل رسانده بودند. آن حضرت حتی با نائله همسر عثمان درباره شناسایی قاتلان او سخن گفت (مسعودی، ۱۴۰۹: ۳۴۵/۲)، اما نائله اعلام کرد آنها را جز با دیدن چهره هایشان تشخیص نمی‌دهد (دینوری، ۱۴۱۰: ۶۷/۱). حتی فردی چون محمد بن ابی بکر که به دست داشتن در قتل عثمان متهم بود، در حضور نائله، اعلام کرد که در زمان قتل وی حضور نداشته و کسانی دیگر او را کشته‌اند (مسعودی، ۱۴۰۹: ۳۴۵/۲).

بنابراین به نظر می‌رسد با توجه به این که امام خود در صحنه قتل خلیفه سوم حضور نداشت (مفید، ۱۴۱۳: ۲۲۸) و عده زیادی در قتل وی دست داشتند (دینوری، ۱۴۱۰: ۶۲/۱-۶۳؛ بلاذری، ۱۴۱۷: ۵۸۰/۵؛ طبری، ۱۳۸۷: ۳۹۱/۴) برای امام علی (ع) اثبات نشد که دقیقاً چه کسانی به صورت مباحثی وی را به قتل رسانده‌اند. ضمن اینکه ناراحتی و عصبانیت مردم از عملکرد عثمان سبب شده بسیاری از مردم خود را جزء قاتلان عثمان

واکاوی علل عدم قصاص قاتلان عثمان توسط امیرالمومنین (ع) (یدالله حاجی زاده) ۱۰۱

معرفی کنند (منقری، ۱۴۰۴: ۸۵-۸۶ و ۱۹۰؛ دینوری، ۱۴۱۰: ۱۲۸/۱؛ دینوری، ۱۳۶۸: ۱۷۹؛ ابن ابی‌الحدید، ۱۳۷۸: ۱۷/۴-۱۸).

۲.۳ مصلحت سنجی امام

هر چند تحقیقات ابتدایی‌ای که امام علی(ع) بلافاصله پس از قتل عثمان و در خانه وی با پرسش‌هایی از نائله همسر عثمان و برخی از متهمان به قتل، انجام داد، ثمری نداشت، اما به نظر می‌رسد در همین زمان رأی امام بر این قرار گرفته که فعلاً به جهت التهابات سیاسی و شرایط اجتماعی موجود، بر این قضیه تمرکز نکند تا اوضاع آرام‌تر شود. امام علی(ع) در خطبه ۱۶۸ نهج البلاغه و در پاسخ به درخواست برخی از یارانش که پس از بیعت با آن حضرت از ایشان خواستند جهت کیفر دادن قاتلان عثمان، اقدام کند، فرمود:

ای برادران! من از آن چه شما می‌دانید بی اطلاع نیستم، اما این قدرت را از کجا به دست آورم آنان (شورشیان بر عثمان) همچنان بر قدرت و شوکت خویش باقی‌اند، آن‌ها بر ما مسلطند و ما بر آنان تسلطی نداریم، این گروه همان‌ها هستند که برده‌گان شما با آن‌ها می‌جوشند و بادیه نشینان‌تان به آن‌ها پیوسته‌اند، در بین شما قرار دارند و قدرت ریزش هرگونه مشکلات و سختی بر سر شما را دارند، آیا شما موضعی برای قدرت بر خواسته‌های خود می‌بینید؟ این کار، کار اهل جاهلیت است. آنها یار و یاور دارند. اگر در این باره جنبشی پیش آید، مردم چند دسته خواهند بود: گروهی همان را می‌خواهند که شما طالبید، عده‌ای دیگر رأیشان بر خلاف عقیده شما است و دسته سوم نه این را می‌پسندند و نه آن را. بنا بر این صبر کنید تا مردم آرام شوند و دل‌ها در جای خود قرار گیرند و حقوق به آسانی گرفته شود. آرام باشید و به من مهلت دهید، ببینید به شما چه فرمان می‌دهم، کاری نکنید که قدرت ما را ضعیف سازد و کاخ قوت و شوکت را فرو ریزد و سرانجام سستی و ذلت به بار آورد (نهج‌البلاغه، خطبه ۱۶۸/ ۲۴۳؛ طبری، ۱۳۸۷: ۴/۴۳۷).

از این سخن امام چند نکته برداشت می‌شود:^۳

۱. به جهت قدرت، تسلط و نفوذی که شورشیان و مخالفان خشمگین و منسجم عثمان در این زمان بر امور داشتند، برای امام علی(ع)-که خود نیز خواستار محاکمه و قصاص قاتلان عثمان بود- امکان برخورد شتاب‌زده با آنها وجود نداشته است و به همین جهت آن

حضرت این امر را به آینده و آرام شدن اوضاع موکول کرده است تا از قتل و خون‌ریزی بی‌ثمر جلوگیری کند.

۲. عزم واحدی در خصوص کیفر دادن یا ندادن قاتلان عثمان در میان یاران آن حضرت و دیگر مسلمانان وجود نداشته است چرا که یک عده عثمان را مقصر می‌دانستند و رأی عده‌ای دیگر از ایشان چیز دیگری بود. همین امر به امام اجازه نمی‌داد تا با خیالی آسوده، قضیه را فیصله دهد.

۳. رسیدگی شتاب زده به این شورش اجتماعی ریشه‌دار موجبات ضعف حکومت نوپای آن حضرت را فراهم می‌ساخت و موجب تضعیف قدرت حضرت و سوء استفاده فرصت طلبانی چون معاویه می‌شد.

همان‌گونه که از تاریخ و نیز کلمات امام علیه السلام استفاده می‌شود، قاتل عثمان شخص واحدی نبود، بلکه وی در جریان یک انقلاب کشته شد که اولاً در آن هزاران نفر از اهالی مدینه، بصره، کوفه و بادیه نشینان شرکت کرده بودند و ثانیاً در پدید آوردن این انقلاب، خود وی نیز سهم داشت. حضرت نمی‌توانست در اوان حکومت نوپای خود، با چنین افرادی مقابله کند و بدین سان، معاویه با مشاهده تضعیف جبهه حضرت، در صدد براندازی حکومت علوی برآید. از این رو، حضرت مصلحت حکومت خویش را در آن دید که در انجام محاکمه قاتلان، عجولانه و شتاب‌زده عمل نکند، بلکه با مرور زمان و استحکام پایه‌های حکومت خویش، به این قضیه نیز رسیدگی کند. به همین جهت است که آن حضرت در پاسخ به خواسته امویان در جهت کشتن قاتلان عثمان فرمود: «اگر امروز کشتن آنان بر من واجب باشد، فردا نبرد با آنان بر من واجب خواهد بود» (یعقوبی، بی‌تا: ۱۷۹/۲).^۴ این سخن حضرت به این معنا بود که برخورد شتاب زده در شرایط فعلی با کسانی که تصور می‌رود در قتل عثمان دخالت داشته‌اند، سبب می‌شود آنان به صورت گروهی یا طایفه‌ای با من به مبارزه برخیزند. ابن‌ابی‌الحدید ذیل خطبه ۱۶۸ نهج البلاغه ضمن اشاره به تصمیم امام درباره قصاص قاتلان مباحثی عثمان، سخن امام علی (ع) - که عدم امکان انجام این کار را بیان کرده - نقل کرده و ضمن تأیید آن، حضور شورشیان خشمگین در مدینه و اختلاف نظرهایی که در این زمان در میان مسلمانان درباره مشروعیت یا عدم مشروعیت قتل عثمان وجود داشته را تأیید کرده و تأکید می‌کند که اگر امام در این زمان کاری صورت می‌داد، فتنه در میان مسلمانان شدت می‌گرفت و حتی ممکن بود،

واکاوی علل عدم قصاص قاتلان عثمان توسط امیرالمومنین (ع) (بدالله حاجی زاده) ۱۰۳

فتنه‌ای بزرگ‌تر و خطرناک‌تر پدید آید بنابراین مصلحت در این بود که امام با تدبیر، قضیه را به وقت خویش موکول کند (ابن ابی الحدید، ۱۳۷۸: ۲۹۳/۹).

این شرایط خاص و بحرانی توسط برخی دیگر از نویسندگان و صاحب نظران اهل سنت مورد تأیید قرار گرفته است. محب‌الدین خطیب در پاورقی العواصم علی القواصم به نقل از ابوبکر باقلانی (م. ۴۰۳ق.) از متکلمان اهل سنت آورده است: حقیقت آن است در شرایطی که شورشیان و قاتلان عثمان بر مدینه چیره بودند و حالت بیم و هراس حاکم بود، امکان نداشت علی بتواند کاری بکند. آن حضرت می‌دید که اگر بخواهد شورشیان را به قتل برساند، وضعیتی پیش خواهد آمد که امور جامعه هرگز سامان نخواهد یافت» (ابن عربی، ۱۴۱۲: ۱۴۶ و ۱۶۴ پاورقی). سعدالدین تفتازانی (م. ۷۹۱ق.) از علمای شافعی نیز گفته است: «علت اصلی خودداری علی از رسیدگی به ماجرای قتل عثمان و قصاص قاتلان آن بوده که قاتلان در آن زمان بسیار بوده و از چنان شوکت و قدرتی برخوردار بودند که اگر برای رسیدگی به کار اینان اقدامی انجام می‌شد، آماده مقابله بودند و علی نیز در نهایت برای جلوگیری از ایجاد فتنه، مصلحت را در خودداری دید (تفتازانی، ۱۴۱۹: ۳۰۵/۵).

به این نکته نیز باید توجه شود که با گذشت چند ماه از آغاز خلافت امام علی (ع)، به جهت زیاده خواهی‌های بزرگانی چون طلحه، زبیر، عایشه و معاویه، التهاب موجود در قلمرو خلافت اسلامی باز هم تداوم یافت. طلحه و زبیر و معاویه از مصادیق باغیانی شدند که سکوت در برابر آنان جایز نبود. بنابراین یکی از مهم‌ترین اهداف امام علی (ع) که تقریباً از همان ماههای ابتدایی زمان حاکمیت خویش آغاز شد، سرکوبی اینان بود. به همین جهت اصرار بر قصاص قاتلان عثمان که طبیعتاً مخالفت طیف وسیعی از یاران آن حضرت را می‌توانست در پی داشته باشد، موجب اختلاف در میان یاران آن حضرت می‌شد و این امر اجازه برخورد قاطع با اصحاب جمل و معاویه را از حضرت می‌گرفت.

علاوه بر این باید اضافه کرد عدم توانایی امام علی (ع) در مجازات قاتلان عثمان - به جز موارد پیش گفته - بدان جهت بود که افراد زیادی در سپاه امام علی (ع) بودند که خود را جزء قاتلان عثمان و یا حامیان قتل خلیفه معرفی می‌کردند. در یک مورد امام علی (ع) در آغاز کار خود مردم را جمع کرد و اندرز داد، سپس فرمود: «لَتَقْمُ قَتْلَةَ عَثْمَانَ» قاتلان عثمان بپا خیزند! در این هنگام همه حاضران به جز افراد کمی به پا خاستند (ابن میثم، بی‌تا: ۳۲۱/۳)؛ مکارم شیرازی، ۱۳۸۷: ۴۴۵/۶. در میان اینان شخصیت‌های برجسته‌ای چون عمار، مالک

اشتر، محمد بن حنفیه، عمرو بن حمق، عدی بن حاتم، کمیل بن زیاد، زید بن صوحان و... بودند که کشته شدن عثمان را روا می‌شمردند و یا حداقل در صف مخالفان وی بودند (بلاذری، ۱۴۱۷: ۴۵/۵ و ۵۱، ابن اعثم کوفی، ۱۴۱۱: ۴۸۰/۲ - ۴۸۱؛ مسعودی، ۱۴۰۹: ۳۵۲/۲). به نقل خبری در العواصم ابن عربی وقتی عمّار در کنار هودج عایشه از او پرسید: هدفتان چیست؟ و پاسخ شنید: خون خواه عثمانیم، گفت: در آن روز خداوند باغی را کشت و از این رو خون‌خواهی او حق نیست (ابن عربی، ۱۴۱۲: ۱۵۳). این روایت نشان می‌دهد عمّار به عنوان یکی از یاران بانفوذ امام علی(ع) که جایگاه خاصی در میان مسلمانان داشته، همانند برخی دیگر از یاران با نفوذ امیرالمومنین(ع)، بر این باور بوده که عثمان به جهت ستمی که روا داشته، به قتل رسیده، بنابراین کسی حق خون‌خواهی او را ندارد.

نکته دیگری که تأیید می‌کند مدعیان قتل عثمان زیاد بودند، روایتی است که منقری نقل کرده در این روایت گفته شده وقتی ابو مسلم خولانی با نامه‌ای از سوی معاویه نزد امیرالمومنین(ع) آمده و خواستار تحویل قاتلان عثمان شد، حضرت او را به مسجد برد، گروه انبوهی که در مسجد بودند همگی فریاد زدند ما قاتل عثمان هستیم (منقری، ۱۴۰۴: ۸۵-۸۶). در زمان رویارویی دو سپاه در صفین نیز وقتی معاویه خواستار تحویل قاتلان عثمان به خویش شد، ۱۰ هزار نفر یا - طبق نقلی دیگر - ۲۰ هزار نفر از سپاه حضرت جدا شده و همگی اعلام کردند که از قاتلان خلیفه هستند (منقری، ۱۴۰۴: ۱۹۰؛ دینوری، ۱۴۱۰: ۱۲۸/۱؛ دینوری، ۱۳۶۸: ۱۷۹؛ ابن ابی الحدید، ۱۳۷۸: ۱۷/۴ - ۱۸). این اعتراف هر چند ناراحتی شدید مردم را از حکومت عثمان می‌رساند، اما در عین حال از حمایت گروه قابل توجهی از مردم از قاتلان عثمان حکایت می‌کند.

این شرایط خاص، امیرالمومنین(ع) را از پیگیری و شناسایی قاتلان عثمان باز می‌داشت. شاید به همین جهت بود که آن حضرت به ابو مسلم خولانی فرمود من این کار را به دقت بررسی کردم و دیدم هرگز صحیح نیست آنان را به تو تسلیم کنم (منقری، ۱۴۰۴: ۸۵-۸۶). از پاسخ امام این نکته قابل برداشت است که تحویل برخی از افراد به عنوان قاتلان عثمان - به جهت اتحاد و همبستگی و هم رأیی‌ای که در میان یاران امام علی(ع) وجود داشته - سبب تحریک سایر افراد می‌شده و امکان داشته کار را از دست امام خارج کند.

ضمن اینکه درخواست قصاص مربوط به فرزندان عثمان بود نه معاویه که پیوند دوری با عثمان داشت و قتل عثمان را بهانه زیاده‌خواهی‌های خویش قرار داده بود. این نکته را

واکاوی علل عدم قصاص قاتلان عثمان توسط امیرالمومنین (ع) (بدالله حاجی زاده) ۱۰۵

نباید از نظر دور داشت که معاویه با طرح قصاص قاتلان عثمان یا تحویل آنان، حضرت علی(ع) را بین دو محذور و مشکل قرار داد. اگر حضرت، خود به محاکمه و قصاص قاتلان می پرداخت یا آنها را به معاویه تحویل می داد، با انبوهی از مردم و صحابه معروف رودرو می شد که حکومت نوپنید حضرت توانایی تقابل با آن را نداشت و اگر آن را به وقت دیگر واگذار می کرد - که چنین کرد - دستاویز مخالفان حضرت مانند طلحه و زبیر، عایشه و معاویه قرار می گرفت و فریاد خون خواهی خلیفه مظلوم مقتول بلند می شد و ناکثان و قاسطان می توانستند با این بهانه به مخالفت و جنگ حضرت دست زنند که چنین نیز شد. بنابراین امام علی(ع) مظلومانه از میان این دو راه، راهی را برگزید که ضمن کسب رضایت الهی، راه خرده گیری بر خویش را نیز بسته باشد. انتخاب همین راه است که سبب شده در میان اهل سنت هیچ کس آن حضرت در خصوص قتل عثمان، به عنوان متهم معرفی نکند(ابن عربی، ۱۴۱۲: ۱۶۵ پاورقی). ضمن اینکه مخالفان آن حضرت همانند اصحاب جمل و معاویه نیز در برابر منطبق و عملکرد امام علی(ع) شکست خورده اند و کسی در طول تاریخ به حقانیت ایشان رأی نداده است.

اما در پاسخ به این سوال که چرا آن حضرت بعد از سپری شدن ایام ملتهد اولیه و آرام شدن اوضاع، به ماجرای قتل عثمان رسیدگی نکرد و قاتلان را مجازات نکرد؟، باید گفت به نظر می رسد جنگ و درگیری های مداوم دوران حکومت پنج ساله امام علی(ع)، آن حضرت را از پیگیری این امر بازداشت و به آن حضرت اجازه نداد در این باره اقدامی صورت دهد. ضمن اینکه این مورد تنها موردی نبود که امام علی(ع) در اهداف حکومتی خویش ناکام مانده است. در کتاب کافی روایتی آمده که نشان می دهد امیرالمومنین(ع) در مواردی تلاش داشته برخی از سنت های نادرست دوران خلفا را تغییر دهد اما به جهت نگرانی از پراکندگی یارانش و یا مصالحی دیگر از این کار خودداری کرده است (کلینی، ۱۳۶۲: ۶۳/۸-۵۸). ضمیمه کردن این حدیث با سخنی که پیش از این از آن حضرت نقل شد (نهج البلاغه، خطبه ۲۴۳/۱۶۸؛ طبری، ۱۳۸۷: ۴/۴۳۷) نشان می دهد امام علی(ع) به جهت نگرانی از پراکندگی یارانش، مصلحت را در این دیده که از پیدا کردن و مجازات قاتلان عثمان تا زمانی که گشایشی در کارش پیش آید، خودداری کند و این گشایش در زمان حاکمیت آن حضرت پیش نیامده است. بنابراین رأی حضرت بر این قرار گرفته که اگر امکان تشکیل محکمه برای من فراهم نباشد، پرونده این حادثه برای همیشه بسته نخواهد شد بلکه خداوند خود در قیامت در این خصوص به داوری خواهد پرداخت. در

یکی از سخنان آن حضرت آمده است: «من جریان عثمان را برایتان خلاصه می‌کنم: عثمان استبداد و خودکامگی پیشه کرد و شما بی‌تابی کردید و از حد گذرانید و خدا در خودکامگی و ستم‌کاری، و در بی‌تابی و تندروی، حکمی دارد که تحقق خواهد یافت» (نهج‌البلاغه، خطبه ۳۰/۷۳). این سخن امام بدین معنا بود که خداوند ضمن اینکه به سوء رفتارهای عثمان رسیدگی خواهد کرد، در خصوص تندروی و ناصبوری شورشیان نیز داوری خواهد کرد و حکم خواهد داد.

۳.۳ عدم طرح شکایت از قاتلان

گذشته از مصلحت سنجی امام و سپس عدم امکان رسیدگی به ماجرای قتل عثمان در دوره حاکمیت آن حضرت، نکته‌ای که باید در پاسخ به چرایی این قضیه مطرح شود این است که اصولاً به جهت عدم طرح شکایت رسمی و قانونی از قاتلان عثمان، شرایط لازم برای تشکیل محکمه جهت رسیدگی به قتل عثمان در زمان حاکمیت امام علی (ع) هرگز فراهم نشده است. سخنی از امام علی (ع) در پاسخ به معاویه - که خواستار تحویل قاتلان عثمان به خویش بود - نقل شده که می‌توان از محتوای آن این مطلب را فهم کرد که لازمه صدور حکم از طرف امام علی (ع) درباره قاتلان عثمان، گردن نهادن طلب‌کنندگان خون عثمان به اطاعت از حکومت امیرالمومنین (ع) و یا به تعبیری پذیرش حکومت ایشان، سپس طرح شکایت از آنان یا از سوی فرزندان عثمان و حضور آنها و متهمان به قتل در دادگاه بوده است (ابن ابی‌الحدید، ۱۳۸۷: ۸۹/۳). امری که هرگز محقق نشد. ابن ابی‌الحدید در این باره آورده است: خواسته علی (ع) این بود که معاویه و سایرین از وی اطاعت کرده و فرزندان عثمان نزد آن حضرت حاضر شده و از قاتلان پدرشان شکایت کنند و مستندات خویش را ارائه کنند و در این صورت بود که امام می‌توانست رأی خویش را صادر کند، اما عملاً چنین چیزی اتفاق نیفتاد. معاویه و اهالی شام نافرمانی کردند، فرزندان عثمان نیز به معاویه پناه بردند و از حوزه حکومت بیرون رفتند و به صورت شرعی به مطالبه قصاص پرداختند (همان: ۲۹۳/۹).

۴.۳ تاویل قرآن توسط قاتلین

پیش از این بیان شد که «امام علی(ع) قاتل مشخصی برای عثمان سراغ نداشت که بخواهد او را به جرم کشتن عثمان قصاص کند». این مطلب را باید ضمیمه کرد به مطلبی که در پی می‌آید. در منابع آمده است: در آستانه جنگ صفین گروهی از «قُرَاء»^۵ به منظور وساطت میان علی(ع) و معاویه وارد عمل شدند. امام علی(ع) در گفت و گوهایی که میان ایشان رد و بدل شده، ضمن انکار دست داشتن خویش در خون عثمان، در بخشی از سخنانش بیانی به این صورت دارد: «تَأْوَلَ الْقَوْمُ عَلَيْهِ الْقُرْآنَ وَ وَقَعَتِ الْفُرْقَةُ وَ قَتَلُوهُ فِی سُلْطَانِهِ وَ لَیْسَ عَلِیٌّ ضَرْبَهُمْ قَوْدًا» قاتلان عثمان، قرآن را بر قتل او دلیل گرفتند و آن را تاویل کردند. میان آنان جدایی افتاد و وی را در زمان قدرت کشتند و بر ایشان قصاص نیست (منقری، ۱۴۰۴: ۱۸۹؛ ابن‌ابی‌الحدید، ۱۳۷۸: ۱۶/۴). این سخن امام - که معاویه نیز برای آن پاسخی نداشت و گویی از شنیدن آن قانع شده بود - به این معنا بود: کسانی که در قتل عثمان دست داشته‌اند، استنادشان به قرآن کریم بوده است و با تاویل قرآن، قتل او را روا شمرده‌اند. اما در اینکه این تاویل چه بوده، شاید نگارنده نتواند اظهار نظر قطعی کند. گویا عملکرد ناصواب عثمان از منظر برخی از شورشیان، برخلاف دستورات قرآن بوده و بدین جهت عده‌ای کشتن او را روا شمرده‌اند. مالک اشتر در یکی از سخنان خویش در کوفه و قبل از جنگ جمل گفته است: «عثمان، کتاب خدا را پشت‌سر انداخته بود، بر طبق هوای نفس خویش رفتار می‌کرد، تقاضای کناره‌گیری‌اش را کردیم نپذیرفت و بر بدعت‌ها پافشاری کرد، لذا ما هم هلاکت او را بر هلاکت دین و دنیای خویش، ترجیح دادیم (مفید، ۱۴۲۹: ۲۲۵).

امام علی(ع) در همین گفتاری که از ایشان نقل شد از جدایی میان عثمان و مخالفانش سخن گفته است. این جدایی به نظر می‌رسد جدایی در رأی و نظر است بدین معنا که - به عنوان نمونه - عثمان دیدگاهش این بود که از بیت المال به هر صورتی که بخواهد می‌تواند استفاده کند و حتی اعلام کرده بود که اگر کلیدهای بهشت را هم در دست داشته باشد آنها را به بنی‌امیه تقدیم می‌کند (احمد بن حنبل، بی‌تا: ج ۱، ص ۶۲؛ ابن‌اثیر، ۱۴۰۹: ۴۸۷/۳)، ولی شورشیان بر این باور بودند که عثمان در مصرف بیت المال خودرأیی کرده است.

بنابراین از منظر امام علی(ع) عثمان را افرادی نامشخص با این استدلال به قتل رسانده بودند که عملکرد وی برخلاف آیات قرآن کریم و طبق هوای خویش بوده است.

۴. نتیجه‌گیری

این پژوهش نشان داد امام علی(ع) در مراحل ابتدایی حکومت خویش به دنبال یافتن قاتلان مباشری عثمان بود و در این زمینه به خصوص از نزدیکان عثمان از جمله نائله همسر وی تحقیق به عمل آورد، اما قاتل مشخصی برای عثمان پیدا نکرد. آن حضرت سپس به این نتیجه رسید که فعلاً به جهت شرایط خاصی که وجود دارد و به جهت سلطه شورشیان بر امور، امکان برخورد با آنان و پیگیری پرونده قتل وجود ندارد، بنابراین با مصلحت سنجی، انجام آن را به آینده‌ای آرام موکول کرد. بعدها به جهت شرایط خاصی که برای آن حضرت به خاطر درگیری با ناکتین، قاسطین و مارقین پدید آمد، این فرصت و این امکان از آن حضرت سلب شد. ضمن اینکه اصولاً امام علی(ع) در برابر خواسته امثال معاویه که خواستار قصاص از قاتلان عثمان بودند و از حضرت می‌خواستند یا خود آنان را قصاص کند و یا آنان را به ایشان تحویل دهد، این امر را مطرح ساخت که می‌بایست در این خصوص ایشان یا فرزندان عثمان به عنوان شاکیان این پرونده از قاتلان شکایت کنند، مستندات خویش را ارائه کنند و امام علی(ع) به آن پرونده رسیدگی کند، اما این امر هرگز اتفاق نیفتاد. پاسخ دیگری که به سوال این پژوهش داده شد سخنی از امام علی(ع) است که بر اساس آن، چون عثمان در شرایطی خاص به قتل رسیده، چرا که اولاً قاتلان مباشری وی مشخص نیستند، ثانياً قاتلان وی درباره قتل او با تأویل قرآن به چنین اقدامی دست زده‌اند، در چنین موردی قصاص امکان ندارد.

پی‌نوشت‌ها

۱. شیخ مفید می‌نویسد:

أنه ع لم يتسرع مع القوم في دعاء عثمان إلى الاعتزال ولا رأى ما رأوه من حصاره وما ولى ذلك من أفعالهم به لأنه ع علم عاقبة الأمر في ذلك وتحققها ولم يخف عليه ما يكون في مستقبل الأوقات من الفتنة بذلك والاختلاف والحروب وسفك الدماء بأن مخالفه لتقديم العداوة له والبغضاء له والشتمان والحسد والبغى عليه بالطغيان سيقر فونه بقتل عثمان والسعي في دمه بهتا له بذلك

واکاوی علل عدم قصاص قاتلان عثمان توسط امیرالمومنین (ع) (یدالله حاجی زاده) ۱۰۹

۲. مقصود از مباشرت در قتل خلیفه، مشارکت مستقیم در کشتن خلیفه است که با زدن خلیفه با شمشیر و یا چیزهای دیگر همراه بوده است. در این قتل کسان دیگری همانند معاویه مقصر و مسبب بودند، اما مباشرت قتل نبودند بلکه به جهات دیگری - چون کوتاهی در یاری وی - زمینه قتل او را فراهم ساخته بودند. امام علی (ع) در مواردی و در پاسخ به خون خواهی معاویه از عثمان، به کوتاهی معاویه اشاره کرده و وی را مسبب قتل او خوانده است (نهج البلاغه، نامه ۲۸/۳۸۷ و نامه ۴۱۰/۳۷).

۳. درباره درستی این برداشت‌ها و تحلیل‌ها رک: (ابن میثم، بی تا: ۳۲۲/۳-۳۲۳؛ مکارم شیرازی، ۱۳۸۷: ۴۴۴/۶-۴۵۰).

۴. «و أما قتلی قتلة عثمان، فلو لزمی قتلهم الیوم لزمی قتالهم غدا»

۵. قرآء یا حاملان قرآن (ابن خلدون، ۱۴۰۸: ۷۴۷/۱) از احزاب و گروه‌های فکری، فرهنگی و سیاسی دوره امام علی (ع) هستند. این طبقه فرهنگی مشخصی که محدود به قبیله و قومیتی خاص و جریان فکری مشخصی نبودند، بزرگان و خواصی از جامعه بودند که گرایش‌های مختلفی داشتند و وجه اشتراکشان گویی تنها علم و دانایی به قرآن، زیست زاهدانه و تمسک به قرآن کریم بوده است (رک: خاکردند و اسماعیلی، ۱۳۹۸: ۵۴).

۶. معاویه با شنیدن این سخن امام علی (ع)، گفت: اگر این گونه است، چرا علی، امر (خلافت) را بدون مشورت با ما بر عهده گرفته است؟ (منقری، ۱۴۰۴: ۱۸۹)

کتاب‌نامه

قرآن کریم.

نهج البلاغه (صبحی الصالح)، قم: موسسه دار الهجره، بی تا.

ابن ابی الحدید، عبدالحمید (۱۳۷۸). شرح نهج البلاغه، تحقیق محمد ابوالفضل ابراهیم، بی جا: دار الکتب العربیه.

ابن ابی شیبیه کوفی (۱۴۰۹). المصنف، بیروت: دار الفکر.

ابن اثیر، عزالدین (۱۴۰۹). اسد الغابه، بیروت: دار الفکر.

ابن اعثم کوفی (۱۴۱۱). الفتوح، تحقیق علی شیری، بیروت: دارالاضواء.

ابن خلدون، عبدالرحمن (۱۴۰۸). تاریخ ابن خلدون، بیروت: دارالفکر.

ابن سعد، محمد (۱۴۱۰). الطبقات الکبری، بیروت: دارالکتب العلمیه.

ابن شبه نمیری (۱۴۱۰). تاریخ المدینه، تحقیق فهیم شلتوت، قم: دارالفکر.

ابن عربی، قاضی ابی‌بکر (۱۴۱۲). *العواصم من القواصم*، تحقیق محب‌الدین الخطیب، قاهره: مکتبه السنه.

ابن عساکر علی بن حسن (۱۴۱۵). *تاریخ مدینه دمشق*، بیروت: دار الفکر.

ابن کثیر، اسماعیل (۱۴۰۷). *البدایه و النهایه*، بیروت: دار الفکر.

ابن میثم، علی بن میثم بحرانی (بی تا). *شرح نهج البلاغه*، بی جا، دفتر النشر کتاب.

احمد بن حنبل (بی تا). *مسند احمد*، بیروت، دار صادر.

بلاذری، احمد بن یحیی (۱۴۱۷). *انساب الاشراف*، بیروت، دارالفکر.

پرهیزکار، محمد علی و رحمان عشریه (۱۳۹۶). چرایی برجستگی قتل عثمان و انتساب آن به امیر مومنان (ع) با تاکید بر نهج البلاغه، پژوهش‌های نهج البلاغه، شماره ۵۵.

تفتازانی، مسعود بن عمر (۱۴۱۹). *شرح المقاصد*، بیروت: عالم الکتب.

جاحظ، عمرو بن بحر (بی تا). *العثمانیه*، مصر: مکتبه الجاحظ.

خاکرند، شکرالله و مهدی اسماعیلی (۱۳۹۸). ارزیابی و نقد نظریه نقش‌گرایش‌های قبیله‌ای در شکل‌گیری قراء در اواخر خلافت عثمان و دوران خلفت امام علی (ع)، دو فصلنامه علمی *مطالعات تاریخی جهان اسلام*، شماره ۱۳.

دینوری، ابوحنیفه (۱۳۶۸). *اخبار الطوال*، قم: منشورات الرضی.

دینوری، أبو محمد عبدالله بن مسلم بن قتیبه (۱۴۱۰). *الامامه و السیاسه*، تحقیق علی شیری، بیروت: دارالأضواء.

طبری، محمد بن جریر (۱۳۸۷). *تاریخ الطبری*، بیروت: دار التراث.

طوسی، محمد بن حسن (۱۳۸۳). *تلخیص الشافی*، قم: محبین.

کلینی، محمد بن یعقوب (۱۳۶۲). *کافی*، تهران: اسلامیه.

مسعودی، علی بن حسین (۱۴۰۹). *مروج الذهب*، قم: دار الهجره.

مفید، محمد بن محمد بن نعمان (۱۴۲۹). *الجمال والنصره لسید العتره فی حرب البصره*، قم: بوستان کتاب.

مفید، محمد بن محمد بن نعمان (۱۴۱۳). *الفصول المختاره*، قم: دارالمفید.

مقدسی، مطهر بن طاهر (بی تا). *البدء و التاریخ*، بورسعید: مکتبه الثقافه الدینیة.

مکارم شیرازی، ناصر (۱۳۸۷). *پیام امام امیرالمومنین (ع)*، تهران: دار الکتب الاسلامیه.

منتظر القائم، اصغر (۱۳۸۶). *تاریخ اسلام*، تهران: سمت، ۱۳۸۶.

واکاوی علل عدم قصاص قاتلان عثمان توسط امیرالمومنین (ع) (یدالله حاجی زاده) ۱۱۱

منقری، نصر بن مزاحم (۱۴۰۴). وقعهٔ صفین، تحقیق عبدالسلام محمد هارون، قم: کتابخانه آیت الله مرعشی نجفی.